

# تبیین مدل نظری برای سبک‌های فرزند پروری، سبک‌های دل‌بستگی و خودمتمایزسازی زوجین

آزاد قربانی<sup>۱</sup>، احمد امانی<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۷/۱۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۱/۱۵

## چکیده

سبک‌های فرزندپروری می‌تواند پیش‌بینی‌کننده طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی باشد. شناخت متغیرهایی که بر سبک فرزندپروری والدین تأثیر می‌گذارد، بسیار مهم است. هدف از پژوهش حاضر تبیین مدل نظری سبک‌های فرزندپروری، سبک‌های دل‌بستگی و خودمتمایزسازی می‌باشد. پژوهش حاضر توصیفی - همبستگی است. جامعه پژوهش همه معلمان دارای فرزند مدارس شهر کامیاران و همسران‌شان بودند که در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تدریس بودند و با روش نمونه‌گیری تصادفی ساده ۲۵۰ زوج (۵۰۰ نفر) انتخاب شدند. هر نفر پرسشنامه‌های تمایز یافتگی، سبک‌های دل‌بستگی و سبک‌های فرزندپروری را پاسخ دادند. تحلیل داده‌ها با دو نرم‌افزار SPSS و AMOS انجام شد. نتایج بیانگر همبستگی مثبت و معنی‌دار بین فرزندپروری اقتدار منطقی با دل‌بستگی ایمن و با جایگاه من و واکنش عاطفی، و فرزندپروری آزادگذار با دل‌بستگی اضطرابی است. همچنین همبستگی منفی و معنی‌دار بین فرزندپروری اقتدار منطقی با گریز عاطفی مشاهده شد. از طرفی بین مؤلفه‌های دل‌بستگی و خودمتمایزسازی همبستگی وجود دارد. نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد که سطح خودمتمایزسازی زوجین و سبک‌های دل‌بستگی آن‌ها می‌تواند پیش‌بین خوبی برای سبک‌های فرزندپروری باشد. با بهبود این دو متغیر می‌توان سبک فرزندپروری اقتدار منطقی را در والدین ایجاد کرد.

واژگان کلیدی: خودمتمایزسازی، سبک‌های دل‌بستگی، سبک‌های فرزندپروری

۱. کارشناس ارشد مشاوره

۲. استادیار گروه مشاوره خانواده دانشگاه کردستان

## مقدمه

خانواده کانون التیام‌بخش دردها و محل ارضاء نیازهای مختلف جسمانی، عقلانی و عاطفی است که خمیرمایه هیجانی انسان در دوران کودکی و در سیستم خانواده شکل می‌گیرد (ثنائی، ۱۳۸۷؛ امانی و بهزاد، ۱۳۹۰؛ عدالتی و ردزان<sup>۱</sup>، ۲۰۱۰). از مشهورترین نظریه‌پردازانی که سعی در تبیین عملکرد خانواده داشته است، بوون<sup>۲</sup> می‌باشد (کاظمیان و دلاور، ۱۳۹۰). مفهوم خودتمایزسازی<sup>۳</sup> اساسی‌ترین مفهوم نظریه بوون است (کلور<sup>۴</sup>، ۲۰۰۹؛ کیم، ادواردز و سوینی، ۲۰۱۲). نظریه او در مورد نیروهایی است که در درون خانواده جای دارند و در پی وحدت و با هم بودن یا برعکس، فردیت هستند و به همین دلیل در سراسر زندگی یک اضطراب مزمن وجود دارد. به نظر او درجه توانایی فرد برای اجتناب از تبعیت رفتار خودکار از احساسات بیانگر میزان تفکیک خویشتن است (سیدمحمدی، ۱۳۸۱). خودتمایزسازی، توانایی فرد در تفکیک فرایندهای عقلی و احساسی، و صمیمیت و خودمختاری خویش از دیگران است (بوون، ۱۹۷۸؛ اسکورن و دندی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۴). خودتمایزسازی به ما در توضیح چگونگی کنترل اضطراب توسط افراد کمک می‌کند (فیش، پاوکوو و وتچلر<sup>۶</sup>، ۲۰۱۲). خودتمایزسازی شامل دو بعد درون‌روانی و بین‌فردی می‌باشد. بعد درون‌روانی خودتمایزسازی موجب رشد الگوهای خودانعکاسی به منظور شناخت خودمان "چه کسی هستیم"، "چه کسی نیستیم" و "زندگی چیست" می‌شود (بوون، ۱۹۷۸؛ یویا<sup>۷</sup>، ۲۰۰۷). بعد بین‌فردی خودتمایزسازی به معنی توانایی فرد در کسب کنترل عاطفی و افکار بر اساس شخصیت خود و در عین حال ماندن در جو عاطفی شدید خانواده است، یعنی روابط فرد با دیگران و میزان امتزاج فرد با دیگران را نشان می‌دهد (تایسون و فریدلندر<sup>۸</sup>، ۲۰۰۰؛ ویفین<sup>۹</sup>، ۲۰۱۲). چهار عامل مهم پیش‌بینی‌کننده سطح

---

۱. Redzuan

۲. Bowen

۳. Self-differentiation

۴. Klever

۵. Skowron & Dandy

۶. Fish, Pavkov & Wetchler

۷. Yooya

۸. Tuason & Friedlander

۹. Whiffen

خودتمایزسازی می‌باشد: واکنش‌پذیری هیجانی<sup>۱</sup>، حساسیت بیش از حد در پاسخ‌دهی به محرک‌های محیطی اشاره دارد. جایگاه من<sup>۲</sup>، به احساس واضح طرفداری از عقاید خود در زمان تحت فشار قرار گرفتن برای عمل به شیوه‌ای متفاوت اشاره دارد. گسلسش عاطفی<sup>۳</sup>، ترس از صمیمیت و احساس آسیب‌پذیری در روابط با دیگران است. آمیختگی با دیگران<sup>۴</sup>: به مثلث‌سازی و همانندسازی شدید با دیگران مربوط می‌شود (اسکورن و فریدلندر، ۱۹۹۸؛ گلاذ<sup>۵</sup>، ۲۰۰۵؛ دیکسار<sup>۶</sup>، ۲۰۰۸). بوون بر این باور بود که سطح خودتمایزسازی فرد در خانواده اصلی‌اش به دست می‌آید و در آینده او تأثیر می‌گذارد (ماینارد<sup>۷</sup>، ۲۰۰۰). به عقیده بوون همهٔ بیماری‌های روانی و جسمانی، مشکلات اجتماعی و به ویژه مشکلات زناشویی با سطح خودتمایزسازی رابطه دارد (هراس<sup>۸</sup>، ۲۰۰۸). افرادی که از سطح خودتمایزسازی بالایی برخوردارند قادر به سنجش متفکرانه موقعیت هستند و رفتاری مستقل داشته و کمتر واکنش‌های هیجانی نشان می‌دهند. آن‌ها تعریف مشخصی از خود و عقایدشان دارند و در روابط بین‌فردی آرامش خود را حفظ می‌کنند (بوون، ۱۹۷۸). به لحاظ نظری خودتمایزسازی پایین به مشکلاتی از جمله نارضایتی زناشویی، مثلث‌سازی، درماندگی جسمانی و روانی، واکنش‌پذیری هیجانی، اضطراب مزمن و انتخاب همسر با سطح خودتمایزسازی مشابه منجر می‌شود (بوهلندر<sup>۹</sup>، ۱۹۹۹؛ الیسون و رابین<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۱؛ میلر<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۴). سطح خودتمایزسازی با توانایی فرد برای کاهش اضطراب ارتباط دارد (یوتن<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۱؛ پینو<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۲). و این در حالی است که یکی از دو بعد به‌وجودآورندهٔ تفاوت‌های

- 
۱. Reactivity emotional
  ۲. Iposition
  ۳. Emotional cutoff
  ۴. With others fusion
  ۵. Glade
  - ۶ De Cesar
  - ۷ Maynard
  - ۸ Heras
  - ۹ Bohlnder
  - ۱۰ Elieson & Rubin
  ۱۱. Miller
  - ۱۲ Utne
  - ۱۳ Pineo

فردی افراد در سبک‌های دلبستگی<sup>۱</sup> نیز اضطراب می‌باشد و دیگری اجتناب (بورس<sup>۲</sup>، ۲۰۰۵). مفهوم اساسی نظریه دلبستگی، شبیه مفهوم خودتمایزسازی بوون است (جورج و وست<sup>۳</sup>، ۲۰۰۳، نقل از تیموری و همکاران، ۱۳۹۱). هر دو نظریه سبک‌های دلبستگی و خودتمایزسازی بیان می‌دارند که چگونه خانواده مبدأ شخص می‌تواند بر روابط مختلف آینده او خصوصاً روابط زناشویی اثر داشته باشد (یونگ، کلاسکو و ویشار<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). هیجان نقطه مرکزی دلبستگی است. این نظریه راهنمایی برای درک و بهنجارسازی تعداد زیادی از هیجانات افراطی موجود در روابط پریشان زوجها در اختیار ما قرار می‌دهد (امانی، ثنایی ذاکر، نظری و نامداری، ۱۳۹۰). بالبی نظریه دلبستگی خود را به عنوان تمایل انسان به پیوندهای عاطفی قوی نسبتاً پایدار با مراقبان اصلی که در تعامل منظم با آنها می‌باشد، تعریف می‌کند که در مواقع استرس از نزدیکی با آنها احساس آرامش می‌کند (بالبی<sup>۵</sup>، ۱۹۸۸؛ پاپالیا<sup>۶</sup>، ۲۰۰۲؛ تیمرمن<sup>۷</sup>، ۲۰۰۶؛ برک<sup>۸</sup>، ۲۰۱۰). دلبستگی الگوهای احساس، تفکر و رفتارهای شخصی در رابطه نزدیک با مراقب، شریک عاطفی و دیگر افراد صمیمی است (بوتوناری<sup>۹</sup>، ۲۰۰۷). هنگامی که سیستم دلبستگی فعال می‌شود، به فرد این امکان را می‌دهد که رفتاری را که دیگران انجام می‌دهند را پیش‌بینی و برنامه‌ریزی کند و یا ممکن است رفتارهایی بروز دهد که متناسب با موقعیت کنونی نباشد. مهم نیست که واقعیت آن موقعیت چیست، چیزی که اهمیت دارد، تفسیر فرد از واقعیت است (اسپرلینگ و برمن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۴). دلبستگی به عنوان تکیه‌گاه امن باعث می‌شود کودک با جرأت کامل به جست‌وجو و کشف محیط پردازد (بروماریو و کرنز<sup>۱۱</sup>، ۲۰۰۸). نظریه دلبستگی فقط نظریه تحول کودک نیست، بلکه نظریه تحول در سراسر زندگی نیز می‌باشد و برای درک روابط

- 
۱. Attachment Styles
  ۲. Boris
  ۳. George & West
  ۴. Young, Klosko & Weishaar
  ۵. Bowlby
  ۶. papalia
  ۷. Timmerman & Emmelkamp
  ۸. Berk
  ۹. Bottonari
  ۱۰. Sperling & Berman
  ۱۱. Brumariu & kerns

عاشقانه میان بزرگسالان و چگونگی ارتباط آن با تجارب اولیه قابل استفاده است (وایس<sup>۱</sup>، ۱۹۹۴؛ وین فیلد، سراوف و اگلند<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، نیاگرن، کارستنسن و لودویگسون<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). الگوهای دلبستگی تمایل به ثبات دارند و در روابط عاطفی بزرگسالی از جمله عشق و ازدواج تأثیر خواهند گذاشت (هازن و شیور<sup>۴</sup>، ۱۹۸۷؛ سیمپسون<sup>۵</sup>، ۱۹۹۲؛ کولینز و فینی<sup>۶</sup>، ۲۰۰۴). ثبات، تداوم و پیوستگی دلبستگی دوران کودکی تا بزرگسالی ۶۴-۶۱ درصد گزارش شده است (میکولینسر<sup>۷</sup> و شیور، ۲۰۰۷). اینشورث نظریه بالبی را گسترش داد و سبک‌های دلبستگی را به سه دسته ایمن، نایمن اجتنابی و نایمن دوسوگرا یا اضطرابی تقسیم کرد (بهزادی پور، پاکدامن و بشارت، ۱۳۸۹). طبق نتایج پژوهش‌های انجام شده، دلبستگی ایمن با افزایش اعتماد به نفس و ویژگی‌های ارتباطی مثبت از جمله صمیمیت و خرسندی؛ دلبستگی اجتنابی با سطوح پایین‌تری از صمیمیت و تعهد و سبک دلبستگی دوسوگرا با شور و هیجان و دل‌مشغولی در روابط بین فردی توأم با خرسندی کم مرتبط است (فینی و نولر<sup>۸</sup>، ۱۹۹۱). افراد دارای دلبستگی اجتنابی فاقد مهارت‌های اجتماعی هستند و از صمیمیت می‌ترسند. افراد دوسوگرا نگران طرد شدن هستند، با یک نگاه عاشق می‌شوند و قهر و آشتی‌های فراوانی را تجربه می‌کنند. آن‌ها اغلب خود را نالایق و غیردوست داشتنی می‌دانند (یوندرود<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵، راویتز<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۰). نوع دلبستگی و میزان ایمن یا نایمن بودن آن به چندین عامل بستگی دارد که یکی از عوامل سبک فرزندپروری<sup>۱۱</sup> است و تحقیقات از یک ارتباط نظری بین سبک‌های دلبستگی و فرزندپروری حمایت می‌کنند (پورحسین، ۲۰۰۱؛ واردن، باروکلوث و لیورسیدگ<sup>۱۲</sup>، ۲۰۰۸). فرزندپروری

- 
۱. Weiss
  ۲. Weinfield, Sroufe & Egeland
  ۳. Nygren, Carstensen, & Ludvigsson
  ۴. Hazan, & Shaver
  ۵. Simpson
  ۶. Collins & Feeney
  ۷. Mikulincer
  ۸. Noller
  ۹. Underwood
  ۱۰. Ravitz
  ۱۱. Parenting Styles
  ۱۲. Barrowclough & Liversidge

فعالیت پیچیده‌ای شامل روش‌ها و رفتارهای ویژه است که به طور مجزا یا در تعامل با یکدیگر بر رشد کودک تأثیر می‌گذارند. هر خانواده‌ای شیوه‌های خاصی در کنترل و اجتماعی کردن فرزندان دارد که متأثر از عوامل فرهنگی، اجتماعی، اقتصادی و غیره می‌باشد (بامریند<sup>۱</sup>، ۱۹۹۱؛ هاردی، پاور و جایدیک<sup>۲</sup>، ۱۹۹۳). بامریند (۱۹۷۱) سه سبک فرزندپروری را مطرح کرد که شامل مقتدرانه، سهل‌گیرانه و مستبدانه می‌شود. مک کویی و مارتین<sup>۳</sup> (۱۹۸۳) شیوه مسامحه‌کارانه یا بی‌اعتنا را نیز به سه سبک قبلی افزودند. سبک‌های فرزندپروری شامل دو مؤلفه اساسی است: ۱- پاسخ‌دهی (صمیمیت و اطمینان‌بخشی) که به میزان تلاش والدین برای رشد ابراز وجود و استقلال در کودکان، حمایت و اطمینان‌بخشی به کودکان و توجه به نیازهای آنان اشاره دارد (بامریند، ۱۹۹۱). ۲- کنترل رفتاری (تقاضاهای والدین) که به تلاش والدین برای یکپارچگی خانواده و جذب فرزندان در خانواده از طریق داشتن تقاضاهای متناسب با توانایی‌های فرزندان، نظارت بر آنان و وضع مقررات اشاره دارد (بامریند، ۱۹۹۱). سبک فرزندپروری مقتدرانه ترکیبی از کنترل، حمایت و علاقه‌مندی منطقی است و اعمال قوانین ثابت همراه با نشان دادن پذیرش می‌باشد که با کنترل و پاسخ‌دهی بالا مشخص می‌گردد (سایمونز و کانجر<sup>۴</sup>، ۲۰۰۷). این والدین کودکان‌شان را با ابراز کلامی و جسمانی حمایت می‌کنند و انتظارات‌شان با توانایی‌های کودکان‌شان تناسب دارد (اوندر و گولی<sup>۵</sup>، ۲۰۰۹). والدین مستبد بر پیروی کردن و کنترل تأکید دارند، در حالی که بده‌بستان کلامی، خودمختاری و استقلال را منع می‌کنند یعنی کنترل بالا و در عین حال پاسخ‌دهی پایینی دارند (کانجر، ۱۹۹۳؛ کاپلان<sup>۶</sup>، ۲۰۰۹). سبک سهل‌گیرانه به سطوح پایین کنترل مربوط می‌شود (سایمونز و کانجر، ۲۰۰۷). والدین سهل‌گیر نسبت به رفتار کودک گرم و پذیرا هستند و از حداقل تنبیه استفاده می‌کنند و اجازه می‌دهند کودکان در سنی که ظرفیت لازم را ندارند، تصمیم‌های بسیاری بگیرند و

- 
۱. Baumrind
  ۲. Hardy, Power & Jaedicke
  ۳. Maccoby & Martin
  ۴. Simons & Conger
  ۵. Onder & Gulay
  ۶. Goplan

در واقع با کنترل کم و پاسخ‌دهی زیاد مشخص می‌شود. ( هیلستروم<sup>۱</sup>، ۲۰۰۹). والدین بی‌اعتنا یا مسامحه‌گر با کنترل و پاسخ‌دهی کم مشخص می‌شوند. آن‌ها کنترلی بر فرزندان ندارند و گرمی و صمیمیت در این خانواده‌ها بسیار کم است والدین معمولاً از فرزندان خود فاصله می‌گیرند (مک کوبی و مارتین، ۱۹۸۳). پژوهش‌های انجام شده به وسیله هیر<sup>۲</sup> (۲۰۰۸) و پیترمن<sup>۳</sup> (۲۰۰۵) نشان دادند که رابطه مثبت و معنادار بین سبک فرزندپروری مقتدرانه و سبک دلبستگی ایمن وجود دارد که با نتایج پژوهش پولک<sup>۴</sup> (۲۰۰۷) همسو می‌باشد. پژوهش رایلی<sup>۵</sup> (۲۰۱۱) نشان داد که والدین آزادگذار در کودکان خود دلبستگی اضطرابی و خشونت ایجاد می‌کنند. در پژوهشی تیموری آسفیچی، لواسانی و بخشایش (۱۳۹۱) پیش‌بینی رضایت زناشویی بر اساس سبک‌های دلبستگی و خودتمایز سازی را در دانشجویان متأهل ارشد دانشگاه تهران مطالعه کردند و دریافتند که بین مؤلفه‌های سبک دلبستگی و تمایز یافتگی رابطه وجود دارد که با نتایج پژوهش بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. از سوی دیگر در پژوهش قنبری هاشم آبادی و همکاران (۱۳۹۱) رابطه بین سبک‌های فرزندپروری، دلبستگی و تعهد زناشویی در زنان متأهل دانشگاه علامه طباطبایی انجام شد. نتایج نشان داد که رابطه بین سبک مقتدرانه مادر با سبک دلبستگی ایمن معنادار است. یافته دیگر این بود که سبک سهل‌گیرانه مادر رابطه‌ای مثبت و معنادار با سبک دلبستگی دوسوگرا (اضطرابی) دارد که با نتایج پژوهش پاکدامن و خانجانی (۱۳۹۰) و زینالی (۱۳۹۲) همسو می‌باشد. در پژوهش زرین کلک و طباطبایی برزوکی (۱۳۸۹) رابطه سبک دلبستگی و شیوه‌های والدگری ادراک شده با تجربیات معنوی و اعمال مذهبی در دانشجویان دانشگاه علامه طباطبایی مورد بررسی قرار گرفت. و نتایج آن ضمن تأیید تحقیقات پیشین این یافته را نیز به دست داد که بین شیوه فرزندپروری سهل‌گیر و سبک‌های دلبستگی ناایمن رابطه منفی و معنادار وجود دارد. در این میان تا به حال در کشورمان در یک پژوهش رابطه سه متغیر خیلی مهم سبک‌های فرزند پروری،

---

۱. Hillstrom

۲. Heer

۳. Peterman

۴. Polek

۵. Riley

سبک‌های دلبستگی و سطح خودتمایزسازی آن هم به روش مدل معادلات ساختاری بررسی نشده است. بنابراین هدف از این پژوهش پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری از طریق سبک‌های دلبستگی و سطح خودتمایزسازی زوجین می‌باشد.

### روش پژوهش

روش پژوهش حاضر با در نظر گرفتن هدف آن بنیادی می‌باشد و با توجه به اینکه مداخله‌ای در ایجاد داده‌ها صورت نگرفته توصیفی از نوع همبستگی است. همچنین این پژوهش از نوع مدل‌یابی معادلات ساختاری می‌باشد که هدف از آن بررسی رابطه سازه‌های نهان پرونزاد و درونزاد موجود در مدل است. جامعه آماری این پژوهش را همهٔ معلمان مدارس سطح شهر کامیاران و همسران آن‌ها تشکیل می‌دهند که حداقل دارای یک فرزند بوده و در سال تحصیلی ۹۳-۹۴ مشغول به تدریس بودند. از این جامعه با استفاده از روش نمونه‌گیری در تصادفی در ساده ۲۵۰ زوج (۵۰۰ نفر) انتخاب شدند. برای تحلیل داده‌ها از دو نرم‌افزار SPSS و AMOS استفاده شده است.

### ابزارهای پژوهش:

۱- پرسشنامه خودتمایزسازی (DSI): این پرسشنامه که توسط اسکورون (۲۰۰۰) ساخته شده است، ابزاری ۴۶ سؤالی است که به منظور سنجش میزان تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود و از چهار خرده‌مقیاس شامل: «واکنش‌پذیری عاطفی»، «جایگاه من»، «گریز عاطفی» و «هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران» تشکیل شده است. هر پرسش بر یک مقیاس ۶ درجه‌ای نمره‌گذاری می‌شود. روایی این مورد تأیید متخصصان بوده و در پژوهش‌های اسکورون (۲۰۰۰)، اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) تأیید شده است. در پژوهش اسکورون و اسمیت (۲۰۰۳) پایایی کل آزمون با روش آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و پایایی خرده‌مقیاس‌های واکنش‌پذیری عاطفی، جایگاه من، گریز عاطفی و هم‌آمیختگی عاطفی با دیگران به ترتیب ۰/۸۹، ۰/۸۶، ۰/۸۱ و ۰/۸۴ محاسبه گردید. در ایران اسکیان (۱۳۸۴) پایایی کل آزمون را با روش آلفای کرونباخ ۰/۸۸ برآورد کرده است.



۲- پرسشنامه تجدید نظر شده سبک‌های دلبستگی بزرگسالان (RAAS): این پرسشنامه ابتدا در سال ۱۹۹۰ به وسیله کالینز و رید تهیه شد و در سال ۱۹۹۶ مورد بازنگری قرار گرفت. این مقیاس که چگونگی ارزیابی فرد را از مهارت‌های ارتباطی و سبک رابطه صمیمانه وی را مورد بررسی قرار می‌دهد، دارای ۱۸ عبارت است که پاسخ‌دهندگان در یک مقیاس لیکرت ۵ درجه‌ای میزان موافقت یا مخالفت خود با هر یک از عبارات را بیان می‌کنند. این پرسشنامه دارای سه زیرمقیاس است: وابستگی، که میزان اطمینان و تکیه کردن آزمودنی به دیگران را نشان می‌دهد، زیرمقیاس نزدیکی، که میزان صمیمیت و نزدیکی عاطفی آزمودنی با دیگران را می‌سنجد و زیرمقیاس اضطراب که میزان نگرانی فرد از طرد شدن را مورد ارزیابی قرار می‌دهد. به هر یک از زیرمقیاس‌ها ۶ عبارت اختصاص یافته است. ضریب پایایی بازآزمایی این آزمون برای هر یک از سه زیرمقیاس نزدیکی، وابستگی و اضطراب به ترتیب ۰/۶۸، ۰/۷۱ و ۰/۵۲ گزارش شده است. حمیدی (۱۳۸۶) با استفاده از روش بازآزمایی پایایی آن را در سطح ۰/۹۵ برآورد کرده است.

۳- پرسشنامه سبک‌های فرزندپروری بامریند: پرسشنامه شیوه‌های فرزندپروری که بر اساس نظریه بامریند از سه شیوه فرزندپروری سهل‌گیرانه، مستبدانه و اقتدار منطقی تدوین شده است. هر شیوه دارای ۱۰ عبارت و به صورت مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت است. بوری<sup>۱</sup> (۱۹۹۱) میزان پایایی این پرسشنامه را با روش بازآزمایی ۰/۸۱ برای شیوه آزادگذاری، ۰/۹۲ برای شیوه مستبدانه و ۰/۹۲ برای شیوه اقتدار منطقی گزارش نموده است. اسفندیاری (۱۳۷۴) میزان پایایی به روش بازآزمایی را برای شیوه آزادگذاری، ۰/۶۹، برای شیوه مستبدانه ۰/۷۷ و برای شیوه اقتدار منطقی ۰/۷۳ را گزارش نمود. در مجموع نتایج به دست آمده از مطالعات مختلف، پایایی و روایی این پرسشنامه را مورد تأیید قرار می‌دهند.

#### یافته‌ها

با در نظر گرفتن اینکه پژوهش حاضر در میان زوجین صورت گرفته است بنابراین ۵۰ درصد از افراد نمونه را مردان و ۵۰ درصد دیگر را زنان تشکیل داده‌اند. میانگین سن شرکت‌کنندگان در کل ۳۳/۶۳ سال (انحراف معیار ۴/۸۶) و میانگین سن مردان ۳۵/۳۸

۱. Bure

(انحراف معیار ۴/۷۱) و میانگین سن زنان ۳۱/۸۶ (انحراف معیار ۴/۳۴) بود. از لحاظ تحصیلات ۱۵۱ نفر دیپلم و پایین‌تر، ۶۹ نفر فوق‌دیپلم، ۲۲۴ نفر لیسانس و ۳۰ نفر فوق لیسانس و بالاتر داشتند.

جدول ۱. میانگین و انحراف معیار و همبستگی متغیرهای بررسی شده

متغیر	میانگین	انحراف معیار	۱	۲	۳
۱- فرزندپروری	۶۰,۷۲	۸,۸۶	۱		
۲- سبک دلبستگی	۴۷,۹۴	۸,۲۲	*۰/۴۵	۱	
۳- خودمتمایزسازی	۱۶۹	۱۶,۶۸	*۰/۵۳	*۰/۳۸	۱

\*P < ۰/۰۱

مطابق جدول شماره (۱) میانگین و انحراف معیار برای متغیرهای فرزندپروری به ترتیب ۶۰,۷۲ (۸,۸۶)، برای سبک‌های دلبستگی ۴۷,۹۴ (۸,۲۲) و برای خودمتمایزسازی ۱۶۹ (۱۶,۶۸) می‌باشد. با توجه به این جدول رابطه همبستگی مثبت و معنی‌داری بین سبک‌های فرزندپروری و سبک‌های دلبستگی (۰/۴۵)، سبک‌های فرزندپروری و خودمتمایزسازی (۰/۵۳) و بین سبک‌های دلبستگی و خودمتمایزسازی (۰/۳۸) وجود دارد.

جدول ۲. همبستگی بین خرده‌مقیاس‌های سبک فرزندپروری، سبک دلبستگی و خودمتمایزسازی

زوجین

متغیر	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰
۱- واکنش عاطفی	۱									
۲- جایگاه من	۰/۲۳	۱								
۳- گریز عاطفی	۰/۵۰	۰/۱۹	۱							
۴- آمیختگی با دیگران	۰/۶۲	۰/۰۷	-۰/۴۳	۱						
۵- نزدیکی	۰/۲۳	۰/۳۸	-۰/۳۵	۰/۳۷	۱					
۶- وابستگی	-۰/۱۸	۰/۲۴	-۰/۳۳	۰/۴۲	۰/۳۲	۱				
۷- اضطراب	۰/۲۹	-۰/۲۵	-۰/۴۰	۰/۳۹	۰/۳۶	۰/۲۷	۱			
۸- آزادگذاری	۰/۰۹	۰/۱۴	۰/۳۳	-۰/۲۹	-۰/۱۶	-۰/۱۵	۰/۱۴	۱		
۹- استبدادی	۰/۰۸	-۰/۳۵	۰/۳۶	۰/۲۷	۰/۰۷	-۰/۱۰	۰/۱۹	-۰/۳۱	۱	
۱۰- منطقی	۰/۱۷	۰/۴۶	-۰/۲۵	۰/۰۹	۰/۲۶	۰/۱۸	-۰/۴۰	۰/۲۶	-۰/۳۸	۱

\*P < ۰/۰۱

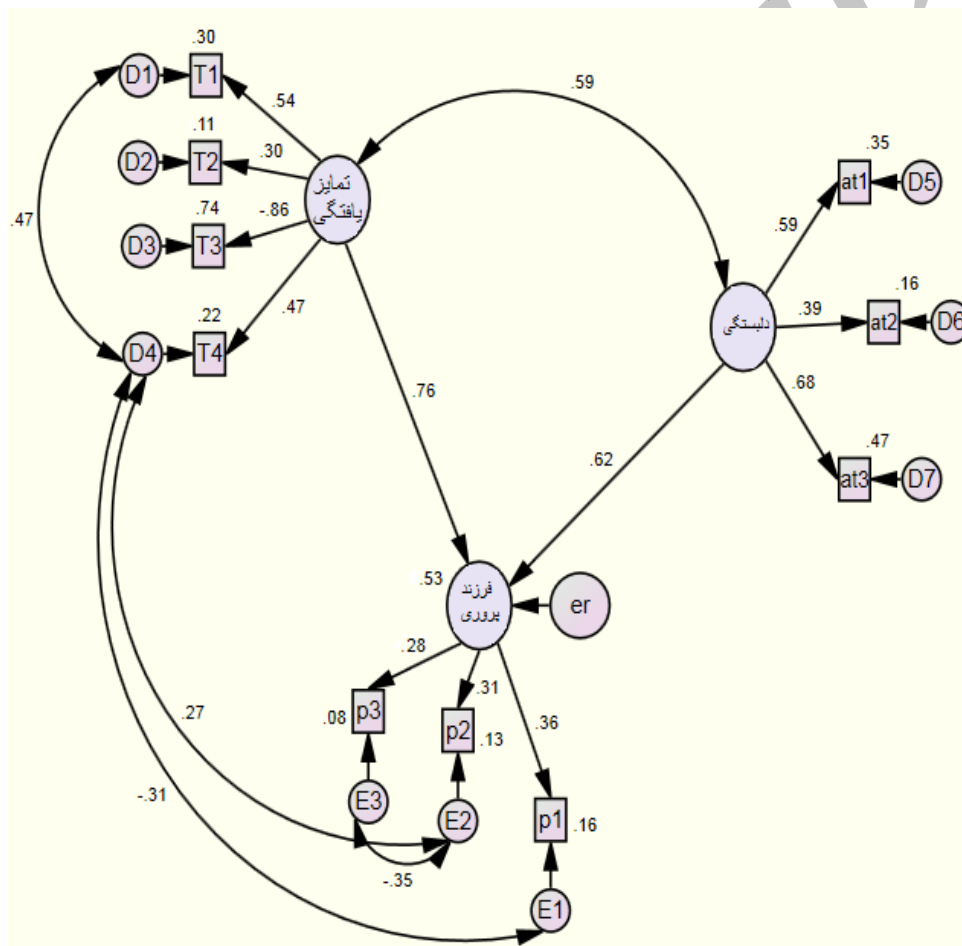
مطابق جدول شماره (۲) رابطه مثبت و معناداری بین سبک فرزندپروری منطقی با جایگاه من (۰/۴۶) و با واکنش عاطفی (۰/۱۷) وجود دارد. همچنین رابطه منفی و معنی داری بین سبک فرزندپروری منطقی و گریز عاطفی (۰/۲۵-) وجود دارد، و به این معنی است که به هر اندازه فرد تمایز یافتگی بیشتری داشته باشد، بیشتر سبک فرزندپروری منطقی را به کار می‌گیرد. به علاوه بین سبک فرزندپروری منطقی با نزدیکی (۰/۲۶) و با وابستگی (۰/۱۸) رابطه مثبت و معنی دار و با اضطراب (۰/۴۰-) رابطه منفی و معنی داری وجود دارد. به این معنا که افرادی که سبک دلبستگی ایمن دارند بیشتر از سبک فرزندپروری منطقی استفاده می‌کنند. همچنین مطابق جدول بالا سبک فرزندپروری استبدادی با گریز عاطفی (۰/۳۶)، با آمیختگی با دیگران (۰/۲۷) و با اضطراب (۰/۱۹) رابطه مثبت و معنی دار و با جایگاه من (۰/۳۵-) رابطه منفی و معنی داری دارد. سبک فرزندپروری آزادگذار با آمیختگی با دیگران (۰/۲۹-)، با نزدیکی (۰/۱۶-) و با وابستگی (۰/۱۵-) رابطه منفی و معنادار و با گریز عاطفی (۰/۳۳) رابطه مثبت و معناداری دارد. از سوی دیگر اضطراب رابطه مثبت و معنی داری با واکنش عاطفی (۰/۲۹) و با آمیختگی با دیگران (۰/۳۹) و رابطه منفی و معنی دار با جایگاه من (۰/۲۵-) و با گریز عاطفی (۰/۴۰-) دارد. همچنین وابستگی رابطه مثبت و معنی دار با جایگاه من (۰/۲۴) و با آمیختگی با دیگران (۰/۴۲) و رابطه منفی و معنی دار با واکنش عاطفی (۰/۱۸-) و با گریز عاطفی (۰/۳۳-) دارد. و در نهایت نزدیکی رابطه مثبت و معنی داری با واکنش عاطفی (۰/۲۳)، با جایگاه من (۰/۳۸) و با آمیختگی با دیگران (۰/۳۷) و رابطه منفی و معنی دار با گریز عاطفی (۰/۳۵-) دارد.

جدول ۳. شاخص های برازش مربوط به مدل پیشنهادی

شاخص برازش	CMIN	CMIN/df	GFI	CFI	AGFI	RMSEA	HOELTER
مدل تدوین شده	۸۲/۷۵۴	۳/۵۹	۰/۹۷	۰/۹۵	۰/۹۳	۰/۰۷۴	۲۴۱
مدل اشباع شده	۰/۰۰۰	---	۱	۱	---	---	---
مدل مستقل	۱۱۷۵/۵۱	۲۶/۱۲۲	۰/۶۴۱	۰/۰۰۰	۰/۵۶۲	۰/۲۲۹	۲۹

در جدول شماره (۳) شاخص های برازش مربوط به مدل پیشنهادی بیان شده است. مقدار CMIN (۸۲/۷۵۴) با درجه آزادی ۲۳ در مقایسه با مدل مستقل که ۱۱۷۵/۵۱ می باشد، مقدار مطلوبی را نشان می‌دهد. مقدار مجذور کا نسبت به درجه آزادی CMIN/df

(۳/۵۹) می‌باشد که با توجه به اینکه بین ۲ تا ۵ است، برازش قابل قبولی را نشان می‌دهد. شاخص GFI، AGFI و CFI ترتیباً ۰/۹۷، ۰/۹۳ و ۰/۹۵ است که به دلیل نزدیک به یک بودن نشان‌دهنده برازش مطلوب مدل می‌باشد. برازش مدل‌هایی که دارای مقادیر RMSEA بالاتر از ۰/۱۰ هستند ضعیف تلقی می‌شود که مقدار به دست آمده در مدل یعنی RMSEA (۰/۰۷۴) حاکی از خوب بودن آن است. شاخص HOELTER مناسب بودن حجم نمونه را مشخص می‌کند، که مطابق جدول بالا مقدار آن در سطح ۰/۰۱، ۲۴۱ است و بنابراین حجم نمونه کافی بوده است.



نمودار ۱. مدل معادلات ساختاری برای خودتمایزسازی و سبک‌های دلبستگی با سبک‌های فرزند‌پروری

نمودار (۱) الگوی تأییدشده مدل معادلات ساختاری برای سه متغیر خودتمایزسازی، سبک‌های دل‌بستگی با سبک‌های فرزندپروری را نشان می‌دهد که تمام وزن‌های رگرسیونی معنی‌دار هستند.

مدل پیشنهادی در نمودار (۱) نشان‌دهنده این می‌باشد که سطح خودتمایزسازی و سبک‌های دل‌بستگی زوجین بر سبک‌های فرزندپروری آن‌ها تأثیر می‌گذارد و توانایی پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری آن‌ها را دارد. مطابق نمودار بالا تمایز یافتگی (۰/۷۶) و سبک‌های دل‌بستگی (۰/۶۲) بر سبک‌های فرزندپروری زوجین تأثیر دارند. همان طور که در نمودار مشاهده می‌شود، بین خودتمایزسازی و سبک‌های دل‌بستگی زوجین نیز همبستگی بالایی (۰/۵۹) دیده می‌شود. بنابراین می‌توان گفت که ترکیبی از این دو متغیر سبک‌های فرزندپروری را بهتر پیش‌بینی می‌کند. از بین خرده‌مقیاس‌های خودتمایزسازی، واکنش‌پذیری عاطفی (۰/۹۰) بیشترین تأثیر بر روی این متغیر گذاشته است. در میان خرده‌مقیاس‌های سبک دل‌بستگی، اضطراب (۰/۶۸) بیشترین تأثیر بر روی این متغیر داشته است. همچنین بیشترین تأثیری که در میان خرده‌مقیاس‌های سبک فرزندپروری بر روی آن گذاشته است، مربوط به خرده‌مقیاس آزادگذاری (۰/۳۶) می‌باشد. تمام مسیرهای کواریانس نیز معنی‌دار است ( $P < 0/05$ ). بین خرده‌مقیاس‌های واکنش عاطفی و آمیختگی با دیگران (۰/۴۷) و میان خرده‌مقیاس‌های آمیختگی با دیگران و فرزندپروری استبدادی (۰/۲۷) رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین رابطه منفی و معنی‌دار بین خرده‌مقیاس‌های سبک فرزندپروری استبدادی و منطقی (۰/۳۵-) و بین سبک فرزندپروری آزادگذار با آمیختگی با دیگران (۰/۳۱-) وجود دارد.

### بحث و نتیجه‌گیری

هدف پژوهش حاضر بررسی نقش خودتمایزسازی و سبک‌های دل‌بستگی در پیش‌بینی سبک‌های فرزندپروری زوجین می‌باشد. نوع ارتباط والدین با فرزندان در شکل‌گیری ابعاد شخصیتی، فضای خانواده و الگوهای رفتاری تأثیرگذار می‌باشد (حقیقی و خلیل زاده، ۱۳۹۱). هر خانواده از سبک و شیوه خاصی در تربیت فرزندان خود استفاده می‌کند. مجموعه نگرش‌ها، اعمال و اظهارات غیرکلامی و کلامی والدین که ماهیت تعاملات

والد- کودک را در موقعیت‌های مختلف مشخص می‌کند، تحت عنوان سبک فرزندپروری شناخته می‌شود (سلیکر و پیکلسایمر<sup>۱</sup>، ۲۰۰۵). از این‌رو مطالعه متغیرهایی که بر سبک فرزندپروری تأثیرگذارند از اهمیت بالایی برخوردار است. با توجه به شاخص‌های برازش در جدول شماره (۳) و نمودار شماره (۱)، فرضیه پژوهش به صورت کلی تأیید گردید. یعنی سبک‌های فرزندپروری با متغیرهای خودمتمایزسازی و سبک‌های دلبستگی قابل پیش‌بینی می‌باشد. در مجموع با توجه به معنی‌داری رابطه مثبت بین سبک فرزندپروری منطقی با خرده‌مقیاس‌های نزدیکی و وابستگی و رابطه منفی با اضطراب در پژوهش حاضر، می‌توان گفت که بین سبک فرزندپروری منطقی و سبک دلبستگی ایمن رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های هیر (۲۰۰۸)، پیترومن (۲۰۰۵)، پولک (۲۰۰۷) و قنبری هاشم آبادی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. همچنین با توجه به معنی‌داری رابطه مثبت بین سبک فرزندپروری آزادگذار با خرده‌مقیاس اضطراب و رابطه منفی با خرده‌مقیاس‌های نزدیکی و وابستگی در این پژوهش، می‌توان گفت که بین سبک فرزندپروری آزادگذار و دلبستگی اضطرابی رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد که با نتایج پژوهش‌های قنبری هاشم آبادی و همکاران (۱۳۹۱)، پاکدامن و خانجانی (۱۳۹۰)، زینالی (۱۳۹۲) و زرین کلک و طباطبایی برزوکی (۱۳۸۹) همسو می‌باشد. یافتن منحصراً به فرد این پژوهش این است که سبک فرزندپروری منطقی رابطه مثبت و معنادار با جایگاه من و واکنش عاطفی و رابطه منفی و معنی‌دار با گریز عاطفی دارد، که در این مورد پژوهش دیگری یافت نشد. با توجه به اینکه سبک فرزندپروری والدین در نسل بعد و در فرزندان آن‌ها نیز تکرار می‌شود، در نتیجه پرورش در فضای سبک فرزندپروری منطقی در فرد موجب تقویت جایگاه من شده و او فرصتی برای یادگیری و درونی کردن این مطلب دارد که می‌تواند بر عقاید خود پافشاری کرده و به شیوه‌ای متفاوت عمل کند. به علاوه، سبک فرزندپروری منطقی در افراد ظرفیت واکنش عاطفی معتدلی را به وجود آورده که باعث می‌شود در هنگام نیاز و با توجه به موقعیت فرد واکنش عاطفی نشان دهد و همچنین به طور همزمان موجب کاهش گسلس عاطفی شده و در مجموع سبب گرمی روابط میان

۱. Slicker, Picklesimer

فرد با اطرافیان مخصوصاً فرزندان می‌شود. یافته‌ی دیگر این که بین مؤلفه‌های سبک دلبستگی و خودتمایزسازی رابطه وجود دارد که با نتایج پژوهش بیرامی و همکاران (۱۳۹۱) همسو می‌باشد. بنابراین، اگر دلبستگی زوجین ایمن و میزان خودتمایزسازی آن‌ها بالا باشد، به احتمال بیشتری از سبک فرزندپروری منطقی استفاده می‌کنند. همچنین اگر دلبستگی زوجین اضطرابی باشد، بیشتر احتمال دارد که از سبک فرزندپروری آزادگذار استفاده کنند. با در نظر گرفتن این نتایج به مشاوران خانواده و دیگر متخصصان بالینی توصیه می‌شود که در اصلاح سبک‌های دلبستگی نامناسب و آموزش هر چه بیشتر راه‌های افزایش خودتمایزسازی زوجین و آموزش سبک فرزندپروری منطقی و آگاه کردن زوجین از تبعات استفاده از سبک‌های فرزندپروری نامناسب، در جهت بالا بردن سلامت روان و کیفیت زندگی زناشویی در خانواده و جامعه گام بردارند و مانع از سست شدن و فروپاشی نهاد خانواده شوند. از محدودیت‌های این پژوهش، می‌توان به نوع شرکت‌کنندگان در پژوهش می‌باشد که بیشتر از حد معمول افراد نمونه در این پژوهش کارمند و باسواد در حد لیسانس بودند. در نتیجه در تعمیم دادن یافته‌های این پژوهش باید احتیاط نمود. پیشنهاد می‌شود که پژوهش مشابه در جامعه‌های آماری دیگر تکرار شود.

### منابع

- اسفندیاری، غ. (۱۳۷۴). بررسی و مقایسه شیوه‌های فرزندپروری مادران کودکان مبتلا به اختلالات رفتاری و مادران کودکان بهنجار و تأثیر آموزش مادران بر اختلالات رفتاری فرزندان. پایان نامه کارشناسی ارشد، انستیتوی روان پزشکی ایران، تهران.
- امانی، ا. بهزاد، د. (۱۳۹۰). اثربخشی طرحواره‌های درمانی در ارتقا تعهد زناشویی و عزت نفس زوج‌ها. *مجله پژوهش‌های مشاوره*. (۱۱) ۴۱، ۱۳۳-۱۱۷.
- امانی، ا. ثنایی ذاکر، ب. نظری، ع. نامداری، م. (۱۳۹۰). اثربخشی دو رویکرد طرحواره درمانی و دلبستگی درمانی بر سبک‌های دلبستگی در دانشجویان مرحله عقد. *فصلنامه مشاوره و روان درمانی خانواده*، (۲) ۱، ۱۹۱-۱۷۱.
- بهزادی پور، ساره؛ پاکدامن، شهلا و بشارت، محمدعلی (۱۳۸۹). رابطه بین سبک‌های دلبستگی و نگرانی‌های مربوط به وزن در دختران نوجوان. *مجله علوم رفتاری*، (۴) ۱، ۶۹-۷۶.

بیرامی، م. فهمی، ص. اکبری، ا. امیری پیچاکالایی، ا. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و مؤلفه‌های تمایز یافتگی. *مجله اصول بهداشت روانی*، (۱) ۴۴، ۷۷-۶۴.

پاکدامن، ش. خانجانی، م. (۱۳۹۰). نقش فرزندپروری ادراک شده در رابطه بین سبک‌های دلبستگی و جمع‌گرایی در دانشجویان. *مجله پژوهش‌های روان‌شناسی اجتماعی*، (۱) ۴، ۱۰۲-۸۱.

تیموری آسفیچی، ع. لواسانی، م. بخشایش، ع. (۱۳۹۱). پیش‌بینی رضایت زناشویی براساس سبک‌های دلبستگی و خودتمایزسازی. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۳۲) ۱، ۴۶۳-۴۴۱. ثنایی، ب. (۱۳۸۷). *مقیاس‌های سنجش خانواده*، تهران: انتشارات بعثت. حقیقی، م. خلیل زاده، ر. (۱۳۹۱). بررسی ارتباط بین رضایت زناشویی و سبک‌های فرزندپروری. *دو ماهنامه دانشکده پرستاری و مامایی ارومیه*، (۱۰) ۱، ۲۶-۲۱.

زرین کلک، ح. طباطبایی برزوکی، س. (۱۳۹۱). رابطه سبک دلبستگی و شیوه‌های والدگری ادراک شده با تجربیات معنوی و اعمال مذهبی. *مجله روان‌شناسی تحولی: روان‌شناسی ایرانی*، (۳۱) ۱، ۳۱۳-۳۰۵.

زینالی، ع. (۱۳۹۲). تأثیر شیوه‌های تربیتی والدین بر نوع دلبستگی فرزندان. *فصلنامه خانواده‌پژوهی*، (۳۳) ۹، ۸۱-۶۳.

سید محمدی، ی. (۱۳۸۱). *نظریه‌های روان‌درمانی*. تهران: انتشارات رشد. قنبری هاشم آبادی، ب. حاتمی ورزنده، ا. اسماعیلی، م. فرحبخش، ک. (۱۳۹۰). *فصلنامه علمی-پژوهشی جامعه‌شناسی زنان*، (۳) ۲، ۶۰-۳۹.

کاضمیان، س. دلاور، ع. (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین تمایز یافتگی با میزان تمایل به اعتیاد در مردان متأهل. *فصلنامه نظم و امنیت انتظامی*، (۴) ۴، ۱۱۵-۱۰۵.

کرمی، ج. زکی‌بی، ع. (۱۳۹۲). نقش جنسیت، تمایز یافتگی و سبک‌های دلبستگی در پیش‌بینی بروز آلکسی تیمیا. *مجله پزشکی دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی-درمانی تبریز*، (۳۵) ۳، ۸۱-۷۴.

Baumrind, D. (۱۹۷۱). Current patterns of parental authority. *Developmental Psychology Monograph*, ۴, ۱-۱۰۳.



- Baumrind, D. (۱۹۹۱). The influence of parenting style on adolescent competence and substance use. *Journal of Early Adolescence*, ۱۱, ۵۶-۹۵.
- Berk, L. E. (۲۰۱۰). *Development through the lifespan* (۵th ed.). Boston, MA: Allyn & Bacon.
- Bohlander, R. W. (۱۹۹۹). Differentiation of self, need fulfillment, and psychological well-being in married men. *Psychological Reports*, ۸۴, ۱۲۷۴-۱۲۸۰.
- Boris NW, Zeanah CH. Practice parameter for the assessment and treatment of children and adolescents with reactive attachment disorder of infancy and early childhood. *J Am Acad Child Adolesc Psychiatry* ۲۰۰۵; ۴۴(۱۱): ۱۲۰۶-۱۹.
- Bottonari KA, Roberts JE, Kelly MAR, Kashdan TB, Ciesla JA. A prospective investigation of the impact of attachment style on stress generation among clinically depressed individuals. *Behav Res and Ther* ۲۰۰۷; ۴۵: ۱۷۹-۱۸۸.
- Bowen M. *Family therapy in clinical practice*. New York: Aronson; ۱۹۷۸. P: ۲۵-۳۹.
- Bowlby, J. *A secure base: Clinical applications of attachment theory*. London: Tavistock Press.
- Brumariu, L. E., & Kerns, K. A. (۲۰۰۸). Mother-child attachment and social anxiety symptoms in middle childhood. *Journal of Applied Developmental Psychology*, ۲۹, ۳۹۳-۴۰۲.
- Buri, J. R. (۱۹۹۱). Parental Authority Questionnaire. *Journal of Personality and Social Assessment*, ۵۷, ۱۱۰-۱۱۹.
- Conger, R. D., Conger, K. J., Elder, G. H., Jr., Lorenz, F. O., Simons, R. L., & Whitbeck, L. B. (۱۹۹۳). Family economic stress and adjustment of early adolescent girls. *Developmental Psychology*, ۲۹, ۲۰۶-۲۱۹.
- Collins, N. L., & Feeney, B. C. (۲۰۰۴). An attachment theory perspective on closeness and intimacy. In D. J. Mashek & A. Aron (Eds.), *Handbook of closeness and intimacy* (pp. ۱۶۳-۱۸۷). Mahwah, NJ: Lawrence Erlbaum.
- De Cesar SD. *Anxiety and depression: self differentiation as a unique predictor*. Unpublished doctoral dissertation, Faculty of psychology and counseling ۲۰۰۸; Mary wood University, Utah.
- Edalati, A., & Redzuan, M. (۲۰۱۰). Perception of women towards family values and their marital satisfaction. *Journal of American Science*, ۶(۴), ۱۳۲-۱۳۷.
- Elieson, M. V., & Rubin, L. J. (۲۰۰۱). Differentiation of self and major depressive disorders: A test of Bowen theory among clinical, traditional, and internet groups. *Family therapy*, ۲۹, ۱۲۵-۱۴۲.
- Feeney, J. A., & Noller, P. (۱۹۹۱). Attachment style and verbal descriptions of romantic partners. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۸, ۱۸۷-۲۱۵.

- Fish, N. J., Pavkov, W. T., & Wetchler, L. J. (۲۰۱۲). Characteristics of those who participate in infidelity: the role of Adult attachment and differentiation in extradyadic experiences. *Journal of Family Therapy*, ۴۰, ۲۱۴-۲۲۹.
- George, C., & West, M. L. (۲۰۰۳). The adult attachment projective, measuring individual differences in attachment security. *Attachment and Human Development*, ۳, ۵۵-۸۶.
- Glade, A.C. (۲۰۰۵). Differentiation, marital satisfaction and depressive symptoms: an application of Bowen theory. *Unpublished doctor dissertation, School of Family Research, The Ohio State University, Ohio.*
- Goplan, G. (۲۰۰۹). Foster parenting and adolescent mental health. unpublished doctoral dissertation, Columbia university.
- Hardy, D.F., Power, T.G., & Jaedicke, S., (۱۹۹۳). Examining the relation of parenting to children's coping with every day stress. *Child Development*, vol. ۶۴, p: ۱۸-۴۸.
- Hazan, C., & Shaver, P. (۱۹۸۷). Romantic love conceptualized as an attachment process. *Journal of personality and social psychology* ۵۲, ۵۱۱-۵۲۴.
- Heer, P. A. (۲۰۰۸). The relationship between college students retrospective accounts of parenting styles and self-reported adult attachment styles. unpublished doctoral dissertation, fielding graduate university.
- Heras, J. E. (۲۰۰۸). A clinical application of Bowen family systems theory [On-line]. Available: [www.thebowncenter.org](http://www.thebowncenter.org).
- Hillstrom, K. A. (۲۰۰۹). Are acculturation and parenting style related to academic achievement among Latino students? A Dissertation Presented for the Degree Doctor of education, University of Southern California.
- Kerr ME, Bowen M. Family evaluation. New York: Norton; ۱۹۸۸. p: ۳۴-۸۹.
- Kim, H., Edwards, B. A., & Sweeney, A. K. (۲۰۱۲). The Effects of Differentiation and Attachment on Satisfaction and Acculturation in Asian-White American International Couple Relationships: Assessment With Chinese, South Korean, and Japanese Partners in Relationships With White American Partners in the United States. *Journal of Family Therapy*, ۴۰, ۳۲۰-۳۳۰.
- Klever, Ph. (۲۰۰۹). Goal differentiation effectiveness, emotional maturity, and nuclear family functioning. *Journal of Marital and Family Therapy*, ۳۵(۳), ۳۰۳-۳۱۶.
- Maccoby EE, Martin JA. Socialization in the context of the family: Parent-child interaction. *Handbook of child psychology*. New York: Wiley and sons; ۱۹۸۳: ۹۷-۱۰۱.
- Maynard, S. (۲۰۰۰). Growing up in an alcoholic family system: The effect on anxiety and differentiation of self. *Journal of Substance Abuse*, ۹, ۱۶۱-۱۷۰.

- Mikulincer, M., Shaver, P. R. (۲۰۰۷). Attachment theory and affect regulation: The dynamics, development, and cognitive consequences of attachment-related strategies. *Motivation and Emotion*, ۳۱, ۱۰۲-۱۱۷.
- Miller, R. (۲۰۰۴). Is Bowen theory valid? A review of basic research. *Journal of marital and family therapy*.
- Nygren, M., Carstensen J., & Ludvigsson J. (۲۰۱۲). Adult attachment and parenting stress among parents of toddlers. *Journal of Reproductive and Infant Psychology*, ۳۰, ۲۸۹-۳۰۲.
- Onder, A., & Gulay, H. (۲۰۰۹). Reliability and validity of parenting styles & dimensions questionnaire. *Procedia Social and Behavioral Sciences* ۱ (۲۰۰۹) ۵۰۸-۵۱۴.
- papalia, D.F. (۲۰۰۲). *A Child's world: infancy through adolescence*. New York: McGraw-hill.
- Peterman, D. (۲۰۰۵). Adolescents raised by their grandmothers: perceptions of parenting style and attachment representation. *Dissertation for degree of doctor of philosophy in nursing*, Georgia state university.
- Pineo, P. (۲۰۱۲). Disenchantment in the later years of marriage. *Marriage and Family Living*, ۲۳, ۳-۱۱.
- Polek, E., Van Oudenhoven, J. P., & Ten Berge, J. M. F. (۲۰۰۸). Attachment styles and demographic factors as predictors of sociocultural and psychological adjustment of Eastern European emigrants in the Netherlands. *International Journal of Psychology*, ۴۳, ۹۱۹-۹۲۸.
- Pourhossein, R. (۲۰۰۲). The effect of parenting styles on children's attachment styles. *Daneshmand journal*, ۴۵۰. (Persian).
- Ravitz, P., Maunder, R., Hunter, J., Sthankiya, B., & Lancee, W. (۲۰۱۰). Adult attachment measures: A ۲۰-year review. *Journal of Psychosomatic Research*, ۶۹, ۴۳۲-۴۳۶.
- Riley, p. (۲۰۱۱). *Attachment theory and the teacher-student relationship*. New York; Routledge publication.
- Simons LG, Conger RD. Linking mother-father differences in parenting to a typology of family parenting styles and adolescent outcomes. *J Fam Issues* ۲۰۰۷; ۲۸(۲), ۲۱۸-۲۲۲.
- Simpson JA, Rholes WS, Nelligan JS. Support seeking and support giving within couples in anxiety provoking situation: The role of attachment styles. *J Pers Soc Psychol*. ۱۹۹۲; (۶۲) ۳۴, ۳۴-۴۶.
- Skowron. E.A. & Dendy, A. K. (۲۰۰۴). Differentiation of self and attachment in adulthood. *Journal of Contemporary family therapy*, ۲۶(۳), ۳۳۷-۳۵۷.
- Skowron. E.A. & Firelander, M.L. (۱۹۹۸). The differentiation of self inventory: Development and initial validation. *Journal of Counseling psychology*, ۴۵, ۲۳۵-۲۴۶.
- Slicker EK, Picklesimer BK, Guzak AK, Fuller DK. The Relationship of parenting style to older adolescent life-skills development in the United States. *Young* ۲۰۰۵; ۱۲(۳), ۲۲۷-۴۵.

- Sperling, M.B. & Berman, W.H. (۱۹۹۴). *Attachment in adults: Clinical and developmental perspectives*. New York: The Guilford Press.
- Timmerman GH, Emmelkamp MG. The relationship between attachment styles and Cluster B personality disorders in prisoners and forensic inpatients. *International Journal of Law and Psychiatry* ۲۰۰۶; ۲۹: ۴۸-۵۶.
- Tuason MT, Friedlander MI. Do parent's differentiation levels predict those of their adult children? And other tests of Bowen theory in a Philippine sample. *J Counsel. Psychol.* ۲۰۰۰; ۴۷, ۲۷-۳۵.
- Underwood, H. (۲۰۰۵). *Who goes there? Demographics, personality and attachment style of those involved in Internet affairs*. Unpublished Doctoral dissertation. Swinburn University, Australia.
- Utne, M. K., Hatfield, E., Traupmann, J., & Greenberger, D. (۲۰۱۱). Equity, marital satisfaction and stability. *Journal of Social and Personal Relationships*, ۱, ۳۲۳-۳۳۲.
- Wearden, A., Peters, I., Berry, K., Barrowclough, Ch., & Liversidge, T. (۲۰۰۸). Adult attachment, parenting experiences, and core beliefs about self and others. *Personality and Individual Differences* ۴۴ (۲۰۰۸) ۱۲۴۶-۱۲۵۷.
- Weinfeld, N. S., Sroufe, L. A., & Egeland, B. (۲۰۰۰). Attachment from infancy to early adulthood in a high-risk sample: continuity, discontinuity and their correlates. *Child development* ۷۱, ۶۹۰-۷۰۲.
- Weiss, R. S. (۱۹۹۴). Attachment in Adults. M. B. Sperling & W. H. Berman (Eds.), (pp. ix-xv). New York: The Guilford press.
- Whiffen, V. (۲۰۱۲). Disentangling causality in the association between couple and family processes and depression. In J. L. Lebow., & W. M. Pinsof. (Eds.), *Family Psychology: The art of the science* (pp. ۳۷۰-۳۹۶). London: Oxford University Press.
- Yooya .Y. (۲۰۰۷). The relationship Among the family functioning, self-differentiation and junior High school student's irrational beliefs.
- Young, J., Klosko, J., & Weishaar, M. (۲۰۰۳). *Schema therapy: A practitioner's guide*. New York: Guildford.